زیر سایه برج میلاد

برگ‌هایی که پرویز شهبازی رو نکرد

خانه دربند

آنتونیا شرکا

• حضور پررنگ پرویز شهبازی را در مقام فیلمنامه‌نویس در جای‌جای «خانه دختر» می‌توان دید. این رد موثر شهبازی را، هم به‌لحاظ تماتیک می‌توان بررسی کرد: پرداختن به مضامینی چون مسایل و مشکلات ناشی از دانشجوی‌دختربودن در شهر بی‌درو‌پیکری مثل تهران و فشارهایی که هنوز از محل بخش سنتی و ریشه‌دار جامعه‌مان بر دختران و زنان وارد است؛ و هم به‌لحاظ ساختاری: پرداختن به داستانی در قالب جنایی با همه خستی که بجا در ارایه اطلاعات به خرج می‌دهد. شهرام شاه‌حسینی، کارگردان فیلم - که هم اینک مجموعه پربیننده‌اش «همه‌چیز آنجاست» هرشب از شبکه سه سیما پخش می‌شود - توانایی‌های خود را در بازی‌گرفتن از بازیگران و خلق لحظه‌های اشک‌انگیز و همچنین پرتعلیق، نشان داده است. بنابراین زوج شهبازی/شاه‌حسینی ترکیب مناسبی برای فیلمی مانند «خانه دختر» به‌نظر می‌رسد. اما از سویی فیلم، هم در فیلمنامه و داستان نقاطی خالی دارد و هم در ساختار سینمایی. بی‌آنکه بخواهیم در اینجا وارد جزییات داستان شویم (مبادا از لذت تماشاکردن آن در نمایش عمومی کاسته شود)، آنچه سبب اقدام نهایی دختر (رعنا آزادی‌ور) در پایان فیلم می‌شود، باورپذیر نیست. نه در او آنچنان عشقی نسبت به نامزدش دیده‌ایم و نه از تیپ شخصیتی او برمی‌آید که به‌خاطر اتهامی که به او وارد شده - راست یا دروغ - دست به اقدامی هیجانی از این دست بزند. در بعد ساختاری تقسیم فیلم به دو پاره زمان حال و بعد بازگشت به گذشته موجب شکستی سبکی در فیلم شده است. درحالی‌که در نیمه‌نخست با زحمت و تنها به‌مدد قطعات کمی که از پازل داریم، فقط می‌توانیم حدس بزنیم چه اتفاقی افتاده، از شروع فلش‌بک ناگهان روایت خطی می‌شود و به‌سرعت به سمت پایانی می‌شتابد که کنجکاویم بدانیم. از اینجا آن بازی‌های رازآلود فراموش شده و جایش را روایتی کلاسیک می‌گیرد. از نقاط قوت این نیمه، بازی بازیگران است، به‌علاوه یک حامد بهداد آشنا که به او رخصت داده می‌شود مطابق با غریزه‌اش «اوور» بازی کند. به یاد بیاورید تهدیدهایی را که در داخل ماشین به نامزدش می‌کند که پیام‌آور سرنوشتی شوم هستند. حضور حامد بهداد جزو نقاط قوت فیلم است. در کل، فیلم از جایی جنایی می‌شود که هنوز درام شکل نگرفته و کارگردان می‌توانسته برگ‌های برنده خود را با درایت بیشتری رو کند.

نکوداشت

کارنامه محمدعلی کشاورز کتاب شد

• **شرق:** کتاب «نکوداشت محمدعلی کشاورز» با عنوان «دل‌شده» به کوشش رامک صبحی و شاهین امین منتشر شد.

بهانه تدوین این کتاب، برگزاری مراسم بزرگداشت این هنرمند در جشنواره فیلم فجر و تقدیر از نیم‌قرن حضور او در عرصه بازیگری تئاتر، سینما و تلویزیون است.

در معرفی این کتاب عنوان شده است: «صبحی و امین که سابقه بیش از ۲۰سال فعالیت روزنامه‌نگاری در نشریات تخصصی سینمایی را دارند، با هدف بررسی زندگی هنری این هنرمند ارزشمند و جایگاه او در عرصه هنر، مطالب این کتاب را گردآوری کرده‌اند. آغازگر کتاب یادداشت‌هایی از حجت‌الله ایوبی، رییس سازمان سینمایی و معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و علیرضا رضاداد، دبیر سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر است. در ادامه هم پیشگفتاری به قلم رامک صبحی آمده است.

این کتاب در سه‌فصل تنظیم شده است. فصل اول کتاب که «کشاورز به روایت کشاورز» نام دارد، به گفت‌وگو با این بازیگر اختصاص دارد.

در بخش دوم «کشاورز به روایت هنرمندان»، ۱۳هنرمند شامل علی نصیریان، عباس کیارستمی، اسماعیل شنگله، داوود رشیدی، امین تارخ، مهدی هاشمی، مسعود جعفری‌جوزانی، محمدمهدی دادگو، داریوش فرهنگ، مجتبی راعی، جمشید هاشم‌پور، احمد بخشی و محمود پاک‌نیت درباره کشاورز گفته‌اند. در بخش آخر که «کشاورز به روایت منتقدان» نام گرفته، چهار منتقد و نویسنده سینما شامل احمد طالبی‌نژاد، جواد طوسی، رامتین شهبازی و سعید مروتی درباره او سخن گفته‌اند. این بخش با یادداشتی از شاهین امین به پایان می‌رسد.

در انتهای کتاب، آلبوم تصاویری از دوران نوجوانی تا صحنه تئاتر و سینما و تلویزیون محمدعلی کشاورز منتشر شده است.

حسن روحانی در مراسم جایزه کتاب سال

ممیزی هزار ضلعی نیست

جلال ستاری و کاظم بجنوردی در میان برگزیدگان بودند

تاسوچی ساوادا مترجم ژاپنی قرآن برگزیده کتاب سال عکس: مهر

فرزانه ابراهیم‌زاده: نوزدهم‌بهمن هرسال با نام کتاب سال گره‌خورده؛ جایزه‌ای که در سی‌ودومین دوره خود با حضور حسن روحانی به هشت‌مولف ایرانی و هفت‌مولف غیرایرانی اهدا شد. ساعت هشت‌صبح روز گذشته، خیابان خواجه‌رشیدالدین‌فضل‌الله و محل اجلاس سران، زیر باران زمستانی میزبان اهالی کتاب بود تا این مراسم را که بی‌تردید مهم‌ترین رویداد فرهنگی حوزه کتاب در بهمن‌ماه است، برگزار کنند. میهمان ویژه، اما حسن روحانی، رییس دولت یازدهم، بود که در این سخنرانی تلاش کرد بیشتر از فرهنگ و کتاب‌خوانی و اهمیت کتاب بگوید. او که صحبت‌های خود را با تبریک ایام دهه‌فجر آغاز کرد، کتاب را کلیدی دانست که باید همه قفل‌ها را باز کند و از ظلمت به‌سمت نور برود. روحانی موضوع بحثش را با برشمردن رقبای کتاب در ۱۵۰سال اخیر آغاز کرد و از روزنامه، رادیوتلویزیون، سینما، تئاتر و اینترنت و البته شبکه‌های اجتماعی نام برد و گفت: «این ابزار و وسایل برای ارتباط انسان‌ها و انتقال اندیشه‌ها امروز به صحنه آمده‌اند، شاید به نظر برسد که دراین‌صورت دوران کتاب تاحدی به‌سرآمده است و رسانه‌های دیگر به‌ویژه دیجیتال می‌توانند جایگزین کتاب شوند، اما واقعیت امر این است که کتاب به‌هیچ‌عنوان جایگاه و ارزش خود را از دست نداده است و اصل اندیشه و فکر هنوز هم در میان اوراق کتاب نهفته است.» روحانی این وسایل را ابزاری دانست که از دل کتاب بیرون آمده‌اند و همه به آن وابسته هستند.

رییس‌جمهور کتاب را به معنای عام کلمه، یعنی همه خلقت تعبیر کرد و همه موجودات را ذیل آن دانست و گفت: «همه موجوداتی که خداوند آفریده است کلمه‌الله هستند و همه سرنوشت امروز و دیروز و فردا در اُم‌الکتاب است. در روز قیامت هم باز با کتاب مواجه می‌شویم. از آغاز تا پایان، افتخار ما این است که معجزه پیامبر ما کتاب است و موحدان دیگر را هم به‌عنوان اهل کتاب می‌خوانیم و می‌نامیم، کتاب، مکتوب و قلم همیشه جایگاه خاص خود را دارد.»

۱۰۰اصل برای ممیزی نسازیم

رییس‌جمهوری مانند همه اظهارات فرهنگی- هنری یک‌سال‌وخورده‌ای که از زمان تحویل گرفتن پاستور داشت باز بخشی از حرف‌هایش را به ممیزی اختصاص داد. او که گفت من نمی‌گویم ممیزی باشد یا نباشد، افزود: « اما نمی‌شود ۱۰۰ اصل برای آن درست کنیم. برای ممیزی، نهایتا دوتا سه یا چهار اصل باید قرار دهید؛ اخلاق، قداست، ارزش‌ها و امنیت و مصالح ملی باید از اصل‌های آن باشد. اما نمی‌شود ۱۰۰ تا خط قرمز گذاشت؛ خط قرمز یا مثلث است یا مربع و نهایتا ذوزنقه، دیگر ما هزار ضلعی نداریم.»

روحانی که گفت ممیزی ما کثیرالاضلاع است، این نکته را یادآوری کرد که: «ما باید نظارت کتاب را قدم‌به‌قدم به صاحبان امر واگذاریم که ناشران و اساتید برجسته بیایند و نظارت کنند. امروز هزاران‌هزار رسانه وجود دارد که می‌تواند جایگزین کتاب شود. آنقدر ما نباید مته به خشخاش بزنیم و تهدید کنیم و شما بزرگان بگویید که ما چگونه بر امور فرهنگی نظارت کنیم؟ و شما بگویید تا گفته شما به قانون و آیین‌نامه تبدیل شود؛ چراکه قانونی که ریشه‌اش نظرات صاحبنظران باشد، استحکام بیشتری خواهد داشت.»

این صحبت‌های رییس‌جمهور البته با تشویق حضار روبه‌رو شد.

ضرورت کتابخوانی بخش دیگری از صحبت‌های رییس دولت یازدهم بود که جای جایزه‌ای برای نوجوانان کتابخوان را هم خالی دید و گفت: «ما باید در کنار جشن برای بهترین کتاب‌ها، برای روزی که در این کشور جوان‌ها و نوجوان‌ها کتاب بیشتری می‌خوانند هم جشن بگیریم.»

او با آوردن مثال‌هایی از کارهای تشویقی برای کتابخوانی در کشورهای دیگر گفت: «ما باید این نقص را پیدا کنیم که چرا جوانان ما کتاب نمی‌خوانند؟ آیا کتاب‌های ما جاذبه ندارد؟ یا مشوق‌های لازم برای خواندن کتاب در نظر گرفته نشده است یا آنکه ارزش کتاب تبیین نشده است؟ شما صاحبان قلم باید بگویید که مشکلات کتاب را چگونه حل کنیم و دولت و آموزش‌وپرورش نیز چگونه باید در این زمینه کمک کنند. و ما همه بیاییم جامعه را تشویق کنیم و با نوشتن کتاب‌های لازم، گره‌های جامعه را باز کنیم.»

راه نجات بشر توسعه فرهنگی کتاب

وزیر ارشاد که این روزها سرش از سایر وزرا شلوغ‌تر است و از این جشنواره هنری به جشنواره‌ای دیگر می‌رود، این بار به‌عنوان متولی کتاب و گسترش کتابخوانی از اهمیت کتابخوانی گفت و آفت جامعه امروز ما را دوری از کتاب دانست: « راه نجات بشر امروز هم، توسعه فرهنگ و گفت‌وگوی سازنده بین ملت‌ها و تمدن‌هاست. تولید اندیشه، نیاز جامعه امروز ماست و باید همه دست‌به‌دست هم دهیم که تولید فکر به ارزشی بنیادین تبدیل شود.»

جنتی از اقدامات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر ای گسترش کتابخوانی گفت و به موضوع اصلی این وزارتخانه در حوزه کتاب که در سخنرانی رییس‌جمهور هم به آن اشاره شد، گریزی زد: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کوشیده است با تشکیل هیات‌های نظارت بر ضوابط نشر و در چارچوب قانون ضوابط نشر مصوب شورایعالی انقلاب فرهنگی، شرایط مساعدتری را در حوزه امر بررسی کتاب فراهم کند.»

از جامعه‌شناسی تئاتر تا دانشنامه تهران

مهم‌ترین بخش مراسم یعنی معرفی کتاب‌های برگزیده سال۹۳ با اجرای محمدرضا شهیدی‌فر در حضور حسن روحانی، رییس‌جمهور و همراهی علی جنتی، وزیر و سید عباس صالحی، معاون فرهنگی و حجت‌الاسلام مهدوی‌راد، دبیر جایزه کتاب برگزار شد. هشت برگزیده امسال کتاب سال جایزه خود شامل لوح تقدیر، تندیس و ۳۰ سکه بهار آزادی را دریافت کردند. برندگان جایزه جهانی کتاب سال هم همراه لوح تقدیر، تندیس و ۱۰هزاردلار را به خانه خود بردند. اما در میان برندگان کتاب سال در حوزه هنر و تاریخ و جغرافیا شاید دو نام شاخص‌تر از دیگران بودند. دکتر جلال ستاری، که سال گذشته کتاب جامعه‌شناسی تئاتر را ترجمه و با همراهی نشر مرکز منتشر کرده بود، یکی از این نام‌ها بود. او که این روزها از تهران به کرج رفته برای مراسم نیامده بود. دومین کتاب برگزیده، دانشنامه بزرگ تهران بود که بنیاد دایره‌المعارف اسلامی آن را منتشر کرده است. جایزه این کتاب را که مجلدات بعدی آن نیز در راه است محمدکاظم موسوی‌بجنوردی، رییس بنیاد دایره‌المعارف دریافت کرد. این دانشنامه به سرپرستی دکتر علی همدانی تدوین شده و شامل بیش از ۱۰ هزار مقاله درباره تهران است.

محمدآصف محسنی برگزیده دیگر بود که برای کتاب معجم الحادیث المعتبره این جایزه را دریافت کرد. احمد امامی نیز به خاطر تالیف و ترجمه کتاب جامع گیاهان دارویی، لیلا پهلوان‌زاده برای تدوین کتاب گنجینه فرهنگ آثار معماری ایران، سعید حمیدیان مولف کتاب شرح شوق؛ در شرح و تحلیل اشعار حافظ، علی‌اوسط ناطقی برای کتاب موسوعه الشهید ثانی و همایون مطیعی به‌خاطر تالیف کتاب زمین‌شناسی درون‌چاهی، برندگان بعدی جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی در سال۹۳ بودند.

در بخش جایزه جهانی کتاب سال، امسال همه برگزیدگان غیرایرانی بودند. در این بخش اما شاید نام نجیب مایل هروی، پژوهشگر و مصحح افغانی‌الاصل که به‌خاطر همه کارهایش برگزیده شد از همه شاخص‌تر بود. هنینگ یورگنسن از دانمارک مولف کتاب یخچال‌های ایران؛ کجا؟ چگونه و چرا؟، پروفسور اسماء اسمرالدین با ملیت بنگلادشی از آمریکا به خاطر تالیف کتاب مجاهده در راه خدا؛ جهاد شهادت در اندیشه اسلام از دیگر برندگان این جایزه بودند. تاتسوییچی ساوادا که یک روحانی از کشور ژاپن بود، برنده دیگر جایزه جهانی کتاب سال بود که به خاطر ترجمه قرآن کریم به زبان ژاپنی این جایزه را دریافت کرد. آن‌سیلوی بوآلیو با ملیت فرانسوی از هلند به‌خاطر تالیف کتاب قرآن به روایت قرآن؛ واژگان و مجادلات ناظر به خود قرآن، سعدون حماده از لبنان به خاطر کتاب دو جلدی تاریخ شیعه در لبنان و دانیل بایوش با ملیت فرانسوی از آمریکا به دلیل تالیف کتاب روش، ساختار و تحول در کیهان‌شناسی فارابی هم برگزیده سی‌ودومین جایزه کتاب سال بودند.

یک‌فیلم، یک‌منتقد

روز هفتم: من دیگو مارادونا هستم

تغییر لحن بهرام توکلی

شاهرخ دولکو

«من دیگو مارادونا هستم» تنها فیلمی بود که از ابتدای جشنواره فیلم فجر تاکنون نظرم را جلب کرده. فیلمنامه این اثر سینمایی به‌خوبی نوشته شده و کارگردانی نیز همپای فیلمنامه پیش می‌رود. در کنار آن، بازی‌های بسیار خوبی از بازیگران فیلم می‌بینیم و با اینکه این فیلم مثل فیلم‌های پیشین بهرام توکلی دارای مضمون خاصی است و اساسا دغدغه‌های این کارگردان را بیان می‌کند، اما فضای مفرحی را نیز برای تماشاگر به‌وجود می‌آورد و او را تا پایان فیلم با خود همراه می‌کند. اما مهم‌ترین نکته فیلم نوع روایت و جذابیتی است که این روایت در فیلم ایجاد کرده. درواقع می‌توان گفت این فیلم چراغ جشنواره را روشن کرد. در این فیلم می‌توان تغییر لحن بهرام توکلی را دید؛ اما تغییری که به هیچ‌وجه آزاردهنده نیست. به‌دلیل اینکه او جهان‌بینی‌اش را حفظ کرده است در این تغییر لحن اشکالی دیده نمی‌شود. فیلمسازان بسیاری در تاریخ سینمای دنیا به این تغییر لحن روی آورده‌اند، اما با حفظ جهان‌بینی خاص و شخصی خودشان. اگر فیلمساز دارای اندیشه و جهان‌بینی خاص خودش باشد، می‌تواند این تغییر لحن را نقطه‌قوت کارش محسوب کرد آنچنان که بهرام توکلی نیز نمره مثبتی در کارنامه کاری‌اش ثبت کرد. بهرام توکلی در این فیلم بازهم تقابل دنیای ذهنی و واقعی هنرمندان را به تصویر کشیده است؛ اما این‌بار با لحنی پر از شوخی و مطایبه. اینکه فیلمساز توانسته جهان تلخ، ذهنی و مشوش خود را در فیلم‌های قبلی‌اش این‌بار با لحنی شوخ‌وشنگ و غیرجدی بیان کند، یکی از موفقیت‌های بزرگ این فیلم محسوب می‌شود.

یک‌فیلم، یک‌گزارش

روز هشتم: اعتراض تبریزی با صدای بلند

اعتراض در کاخ

بهناز شیربانی

کاخ جشنواره در روز هشتم، شاهد فریادهای اعتراض کارگردان «طعم شیرین خیال» بود. کمال تبریزی صبح دیروز پیش از اکران فیلمش در کاخ جشنواره، دو ممیزی و دیالوگ‌های حذف‌شده فیلم را به شکلی غیرمتعارف هنگام نمایش با صدای بلند بیان کرد. این کارگردان، در گپ‌وگفت‌های کوتاهش به ممیزی و سانسور در فیلم جدیدش اشاره و تاکید کرد که دوجمله از فیلم به‌دلیل همین ممیزی‌ها تغییر کرده است؛ دیالوگی که به‌جای عبارت انرژی اتمی، انرژی شیمیایی جایگزین شده و طبق همین تغییرات، جملات بعدی منطقی به‌نظر نمی‌رسد و لحظه‌ای دیگر در فیلم که گفته می‌شود زندانی سیاسی نداریم. او با اشاره به این صحنه‌ها توضیح داد: در صحنه‌ای دانشجو از استادش درباره «انرژی هسته‌ای» می‌پرسد که به من گفتند باید تغییر کند؛ و من به‌جای آن «انرژی‌شیمیایی» گذاشتم و در صحنه دیگری یکی از شخصیت‌های فیلم درمورد یک‌فرد زندانی صحبت می‌کند که در جواب می‌شنویم ما اصلا زندانی سیاسی نداریم. صحبت‌های کمال تبریزی با تشویق بسیاری از سوی حاضران سالن مواجه شد اما نکته جذاب در نمایش فیلم این بود که تبریزی در میانه‌های فیلم و دقیقا لحظاتی که فیلمش دچار سانسورهایی در دیالوگ شده بود، با صدای بلند دیالوگ‌های حذف‌شده را بر زبان راند که واکنش تماشاگران را به همراه داشت. حواشی روز گذشته جشنواره در برج‌میلاد منوط به نمایش فیلم کمال تبریزی نبود. بسیاری از میهمانان حاضر در برج باز هم با ماشین‌های گشت‌ارشاد در محوطه مواجه شدند و برخی هم تذکراتی از جانب نیروهای گشت‌ارشاد گرفتند.

«لیان» به تالار وحدت آمد

طنین موسیقی بوشهر در تهران

شرق: موسیقی بوشهر به تهران آمد. «لیان» که به‌عنوان گروهی در زمینه موسیقی محلی بوشهری فعالیت می‌کند، در چندهفته اخیر به‌دلیل ایجاد موانعی در زادگاهشان و شهر شیراز خبرساز شده بودند اما این گروه جمعه، ۱۷بهمن میهمان تهرانی‌ها بودند. در ابتدا تنها یک سانس به این کنسرت اختصاص داده شده بود که با فروش تمام بلیت‌ها، سانس دوم نیز تمدید شد. همچنین در سانس اول این کنسرت اصغر فرهادی، کارگردان ایرانی برنده اسکار به تماشای این برنامه آمده بود که محسن شریفیان، سرپرست گروه در بخشی از اجرا در مورد حضور فرهادی گفت: «حضور اصغر فرهادی به کنسرت گروه لیان را ارج می‌نهم چرا که این حرکت او نشانه‌ای ارزشمند برای حمایت از موسیقی نواحی است که برای من و گروه اجرایی بسیار ارزشمند است. امیدوارم چنین حرکت‌هایی از سوی هنرمندان ارزشمندی چون اصغر فرهادی همواره در کنار گروه‌های فعال موسیقی نواحی ادامه باشد.»

شریفیان همچنین در کنسرت دوم خود با بیان اینکه از صحبت‌هایش در اجرای قبلی برداشت‌هایی شده و به‌همین‌دلیل لازم است به این موضوع اشاره کند که معاونت هنری و مرکز موسیقی وزارت ارشاد کارهایشان را ممیزی نکرده‌اند، افزود: «خطاب من به عزیزانی بود که به کنسرت‌های ما نظراتی داشتند که البته به آنها احترام می‌گذارم و همواره از آنها به‌خاطر نقطه‌نظراتی که به ما دادند ممنونم و امیدوارم این سوءتفاهم‌ها هرچه زودتر مرتفع شود و ما در خدمت همه مخاطبان این سرزمین باشیم.»او درحالی که از حاضران خواست تا دست‌های خود را به نشانه قلب در جلو دوربین‌های تصویربرداری نگه دارند، عنوان کرد: «موسیقی ایرانی موسیقی فاخری است که کسی به‌سادگی نمی‌تواند آن را محکوم کند.»

آسیه جبار درگذشت

خاموشی زبان زنان عرب

شرق: آسیه جبار هم از فهرست برگزیدگان نوبل ادبی خط خورد. نویسنده شناخته‌شده الجزایری‌الاصل در فرانسه درگذشت تا از نویسندگانی باشد که مهم‌ترین جایزه ادبی را از نام خود محروم می‌کند. او در چهارسال گذشته به‌خصوص بعد از آغاز بهارعربی در کشورهای عرب آفریقایی و آسیایی جزو گزینه‌های اصلی نوبل ادبی بود اما نتوانست آن را دریافت کند. با این‌همه نبودن نام جبار در میان برگزیدگان نوبل ادبی چیزی از شهرت او در زمینه ادبیات، به‌خصوص به زبان فرانسوی کم نمی‌کند. او که زاده۱۹۳۶ بود، با نام واقعی «فاطمه‌الزهرا املحاین» وارد دانشسرای‌عالی دختران در الجزایر شد. خانواده او از بربرهای الجزایر بودند و پدرش معلم زبان فرانسه بود. آسیه جبار در سال۱۹۵۵ میلادی موفق شد به‌عنوان نخستین زن الجزایری به «اکول نرمال» که مهم‌ترین کالج ادبی -هنری پاریس است، راه یابد. او دوسال بعد یعنی در سال۱۹۵۷ میلادی نخستین رمان خویش را با نام «تشنگی» منتشر کرد؛ رمانی که باعث شد به‌جای فاطمه‌الزهرا نام آسیه را به‌خاطر ترس از پدرش بر آن بگذارد. در حدود سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۵ یعنی در سال‌های انقلاب مردم کشورش علیه فرانسه، در دانشکده ادبیات رباط به‌عنوان استاد تاریخ معاصر مغرب به تدریس مشغول بود؛ انقلابی که به سقوط جمهوری چهارم فرانسه منجر شد. جبار پس از مدتی به دانشگاه الجزایر رفت. او از سال۱۹۸۰ میلادی مقیم پاریس شد. آنجا با ولید گام ازدواج کرد و دومین کتابش را با همراهی او نوشت. آثار جبار به بیش از ۲۱زبان ترجمه شده و مقالات مهمی درباره او نگاشته شده است. بخش اعظم نوشته‌ها و کارهای این نویسنده الجزایری به موضوع موانع و مشکلات زندگی زنان می‌پردازد. همین آشکارکردن اندیشه‌های فمینیستی است که از او به‌عنوان یک چهره فعال جنبش زنان نام می‌برند.

وقایع اتفاقیه

در سینماهای مردمی چه خبر است؟

صف‌های بلندِ روزهای کوتاه

سهام‌الدین بورقانی

• مهم‌ترین ویژگی صف‌های بلند روبه‌روی سینماها در روزهای جشنواره فیلم فجر، مطلع‌شدن از آخرین خبرها و اطلاعات مربوط به فیلم‌هاست. بیشتر کسانی که در صف‌ها منتظر خرید بلیت هستند، دختران و پسران جوانی هستند که مشتاقانه گاهی حتی تا چندساعت در انتظار ورود به سینما هستند؛ انتظاری که گاهی بی‌نتیجه می‌ماند و بلیتی برای فروش باقی نمی‌ماند. البته تک‌وتوک افراد مسن‌تر و به‌ندرت پیرها هم دیده می‌شوند. سینما فرهنگ از جمله سینماهایی است که با داشتن دو سالن کار خود را برای نمایش فیلم‌های جشنواره آغاز کرده است.

از یکی از پسرهای جوانی که در صف طولانی فیلم «من دیگو مارادونا هستم»، ساخته بهرام توکلی ایستاده، می‌پرسم مهم‌ترین دلیلی که حاضری در این صف طولانی برای تماشای فیلم بایستی چیست؟ می‌گوید به‌هرحال فضای جشنواره حس‌وحال خودش را دارد و همین ایستادن در صف هم برای خودش عالمی دارد. ضمن اینکه می‌گوید ممکن است برخی فیلم‌ها بعد از جشنواره به نمایش درنیایند و به همین‌خاطر نمی‌خواهد این فرصت را از دست بدهد. فرد دیگری که یکی، دونفر با ما فاصله دارد میان صحبت‌های ما می‌پرد و می‌گوید امسال همه فیلم‌ها اکران می‌شوند و همه هماهنگی‌ها را کرده‌اند تا قضیه سال گذشته تکرار نشود؛ و هر فیلمی که در ایام جشنواره روی پرده برود بعد از آن هم اکران خواهد شد.

فرد میانسالی را پیدا می‌کنم که مجله فیلم در دست دارد و سخت مشغول مطالعه اطلاعات مربوط به فیلم‌هاست. در مورد دلیل انتخاب این فیلم می‌گوید، همه کارهای بهرام توکلی را دیده است و دوستشان داشته. به‌ویژه «اینجا بدون من» را خیلی پسندیده و اضافه می‌کند او نشان داده کارگردان مهمی است. معتقد است این فیلم هم فضای طنز دارد و حتما باید ارزش دیدن داشته باشد. از صف بیرون می‌زنم و به سمت گیشه می‌روم. مرد جوانی کاغذی در دست دارد و عده زیادی هم دورش حلقه زده‌اند تا اسامی‌شان را یادداشت کنند. در جواب این سوال که آیا بلیت به همه می‌رسد، می‌گوید: اسامی از صبح نوشته می‌شوند و بعد برمبنای آن صف تشکیل می‌شود؛ بلیت‌ها هم چنددقیقه قبل از شروع فیلم فروخته می‌شوند. اما با این صف طولانی قطعا به خیلی‌ها نخواهد رسید. بر اساس صحبت‌های او، روز جمعه برای ثبت‌نام در فهرست فیلم «رخ دیوانه» و «دوران عاشقی» دوباره مقابل سینما فرهنگ حاضر شدم. همهمه‌ای برپا بود و صدای اعتراض تعداد زیادی از تماشاگران بلند. علت را از چندنفر جویا و متوجه شدم که مدیر سینما تصمیم جدیدی مبنی‌بر حذف ثبت‌نام گرفته است. خانم جوانی که روبه‌روی گیشه ایستاده بود، می‌گوید: این سیستم جدید کاملا غلط و نامنصفانه است. الان ساعت ۱۱صبح است و همه برای خرید بلیت «رخ دیوانه» که اولی ساعت سه عصر و دومی هشت شب اکران می‌شود، صف کشیده‌اند. پسر نوجوانی می‌گوید ما دوست داریم بیاییم و فیلم‌ها را ببینیم ولی با این اوضاع باید ساعت‌ها در صف باشیم، تازه معلوم نیست موفق شویم یا نه. کاش لااقل مثل بقیه سینماها روی تشکیل صف نظارت می‌کردند و تا یکی، دوساعت پیش از شروع فیلم اجازه نمی‌دادند مردم در صف بایستند. با این تفاسیر تصمیم گرفتم سری هم به سینما آزادی بزنم. فیلم «دوران عاشقی» قرار است ساعت هشت شب در سالن اصلی این سینما به نمایش درآید. ساعت ۷:۳۰ شب است اما صف بلیت عریض‌وطویل‌تر از آن است که فکرش را می‌کردم. به‌جز این فیلم، از «کوچه بی‌نام» هاتف علیمردانی هم استقبال خیلی خوبی شده و صفی به‌مراتب طولانی‌تر از «دوران عاشقی» دارد. با ناامیدی از نفر جلویی‌ام می‌پرسم که چه مدت در صف است و اینکه به نظر می‌رسد بلیت به ما نرسد. با خیالی آسوده می‌گوید، ۱۰دقیقه پیش رسیده و جای نگرانی نیست. فوقش روی زمین می‌نشینیم! ۳۳سال از اولین دوره‌ای که جشنواره فیلم فجر برگزار شد، گذشته اما مسوولان جشنواره و سینماها هنوز نتوانسته‌اند سازوکار دقیقی برای فروش بلیت‌های آن طراحی کنند. بازارسیاه بلیت‌ها داغ است و صف‌ها هم نظم و قاعده خاصی ندارند. امسال که گذشت. کاش برای سال‌های بعد فکری جدی شود.